

■ اخیراً پراگ اعلام کرده به دلایل سیاسی؛ پیمان خواهرخواندگی با پکن را فسخ می کند. به نظر شما دیدگاه های متفاوت در سیاست خارجی کشورها تا چه حد بر دیپلماسی شهری آنها تأثیرگذار است؟ و شهرها تا چه میزان می توانند آینده روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر را رقم بزنند؟

دیدگاه های متفاوت سیاست خارجی حکومت های اقتدارگرا یا دارای قدرت متمرکز می توانند بر دیپلماسی شهری اثر مخرب بگذارند. نقش دیپلماسی شهری در حکومت های متمرکز در حد «پارادیپلماسی» است، اما در حکومت های فدرال یا غیرمتمرکز امکان دیپلماسی مستقل شهری بالقوه وجود دارد که بهره برداری از آن منوط به مهارت، دانش، رویکرد و اراده شورای شهر و شهردار است.

■ با توجه به اینکه شهرداری ها و مسئولان محلی در کشورهای مختلف، فارغ از نظارت دولتی متمرکز، سعی در انعقاد قراردادهای بین المللی دارند، آیا می توان به جای واژه «دیپلماسی» از اصطلاح «پارادیپلماسی» استفاده کرد، که تلویحاً به ویژگی جهانی و غیردولتی تعامل اشاره می کند؟

بکارگیری واژه «پارادیپلماسی» برای تبیین ذات خواهرخواندگی شهری؛ تسلیم شدن به انحصاری بودن دیپلماسی در قدرت حکومت مرکزی است، در حالی که «دیپلماسی» به عنوان «مدیریت روابط بین کشورها یا مهارت در برخورد با افراد بدون توهین و ناراحت کردن آنها» (۱) تعریف می شود.

انحصاری کردن دیپلماسی توسط حکومت ها؛ برخلاف منافع واقعی ملت ها است. حکومت ها عموماً به خاطر تعارض منافع، رویکرد جنگ طلبانه دارند، در حالی که ملت ها غالباً خواهان روابط حسنه و صلح آمیز و جهانی عاری از خشونت هستند. لذا «دیپلماسی شهری» امری پارادیپلماسی نیست، بلکه دیپلماسی واقعی بین ملت ها است که حتی می تواند در بهبود روابط حکومت ها با یکدیگر نقش سازنده ایفا کند. البته اگر شهرداری و شورای شهر مزدور حکومت مرکزی باشند، نمی توانند نقش مستقل و اصلی در دیپلماسی داشته باشند، اما در جوامع فدرال و دموکراسی های پیشرفته؛ امکان دیپلماسی شهری و نه پارادیپلماسی وجود دارد.

■ آیا روابط بین ملت ها اصل است یا روابط بین حکومت ها؟

در فلسفه های سیاسی اقتدارگرا؛ دولت محور همه امور است، اما در فلسفه سیاسی مردم محور؛ ملت ها و شوراهای محلی روستایی و شهری و صنفی اصالت دارند و در تعامل سازنده با یکدیگر، در قبال جنگ افروزی حکومت ها و سیاست های توسعه طلبانه آنها می توانند مانع قربانی شدن ملت ها شوند. شوراهای مبارزه با جهانی شدن و شوراهای ضد جنگ و حمایت از محیط زیست؛ نمونه های برجسته نقش شوراهای مردمی

و شهری در دیپلماسی سازنده جهانی بشمار می روند؛ چنان که تظاهرات گسترده و سازمان یافته اخیر حامیان نجات زمین و محیط زیست در لندن و سایر شهرهای بزرگ در غرب، در تعارض با برنامه شرکت های بزرگ چند ملیتی کاپیتالیستی؛ به تغییر برخی سیاست های ضد محیط زیستی منجر شد.

■ دیپلماسی شهری بر پایه هفت عامل «امنیت»، «توسعه اقتصادی»، «محیط زیست»، «فرهنگ»، «حمل و نقل»، «شبکه ها» و «نمابندگی ها» در حال توسعه است. سازمان های بین المللی مانند Strong Cities Network یا Diplomacy ۳۶۰ سعی دارند روابط دیپلماتیک را از طریق بازیگران و راهکارهای جهانی و بین المللی ارتقا دهند و نوعی مدیریت جهانی - بومی (glocal)، به معنای همسویی با پیشرفت های جهانی و حفظ هویت بومی ایجاد کنند. آیا این هدف تاکنون محقق شده است؟ دیپلماسی شهری چگونه می تواند علاوه بر حفظ فرهنگ بومی، آن را توسعه و ترویج دهد و پلی به سوی تمدن جهانی باشد؟

دیپلماسی شهری هنوز به همه اهداف خود نرسیده، زیرا در چرخه معیوب اندیشه بوروکراسی گرفتار است. دیپلماسی شهری یک خلاقیت فلسفی - هنری مردمی است که لازمه آن یک رویکرد و فرهنگ بین المللی است. دیپلماسی شهری با رویکرد حفظ فرهنگ بومی؛ رویکردی ضد پروژه جهانی کردن فرهنگ آمریکایی است. در این جنبش جهانی بسیاری از روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان جهان، با رویکرد حفظ فرهنگ بومی و در عین حال تعامل سازنده با فرهنگ ها



خواهرخواندگی بین شهرها؛ وضعیت آنها را به مثابه یک قدرت یا بازیگر محلی، به یک نیروی بین المللی تبدیل می کند که در روابط بین الملل پیامدهای مهمی دارد و با سلطه انحصاری دیپلماسی حکومت مرکزی مبارزه می کند

و تمدن های متنوع جهانی؛ با دیپلماسی شهری همراهند.

من در مقاله «دیالوگ و افتراق براساس فلسفه سیاسی اسلامی» (کنفرانس بین المللی دیالوگ و افتراق: ارزش های محلی و جهانی در دوره پسامدرن، سواس، دانشگاه لندن، ۲۰۰۹ Sep. سید سلمان صفوی). توضیح داده ام که از منظر فلسفی؛ در عصر جهانی شدن تمدن، جزو تعامل سازنده با فرهنگ های متنوع چاره ای نداریم. دیپلماسی شهری یک فرهنگ است و با صدور بخشنامه، اجرایی نمی شود. دیپلماسی شهری برعهده کارمندان نیست، بلکه برعهده صنعتگران، هنرمندان، ورزشکاران، بازرگانان، نویسندگان و متفکران هر سرزمین است. در صورت وارد شدن تیپ های اجتماعی مذکور؛ امکان دستیابی به موفقیت در دیپلماسی شهری به نحو قابل توجهی افزایش می یابد.

■ نقش دیپلماسی شهری را در ایجاد «صلح» و «امنیت» شهرها و متعاقباً کشورها چگونه ارزیابی می کنید؟

من در کتاب «تأملی در فلسفه سیاسی» (انتشارات سلمان - آزاده، تهران، ۱۳۹۸) بحث مستوفایی در مورد سیاست و نقش شوراها و دولت ها طرح کرده ام و آورده ام که: «مالکیت های کلان»، «حکومت» و «جنگ» سه ضلع مثلث سیاست اند که خواهرخوانده و همساز همدیگرند. این سه، نماینده اولیگارش های اقتصادی، مذهبی، نظامی و امنیتی اند که ملت ها و شوراهای بومی که آزادی و توزیع قدرت در آنها بهتر صورت گرفته، در مقابل آنها قرار دارند. در جهان مملو از خشونت در دوره پسامدرن، که حکومت ها معرکه بیار جنگ ها شده اند و ملت ها را به سلاح خانه جبهه های جنگ می فرستند؛ دیپلماسی شهری می تواند نقش بسیار مهم و سازنده ای در ترویج گفتمان دیالوگ «صلح عادلانه»، «امنیت برای همه» و «جهان عاری از خشونت» ایفا کند. تحقق این امر؛ مشروط به استقلال، پکی، شجاعت و روشنفکری شهردار، شورای شهر و شوراهای صنفی و مدنی است. برای مثال امروز خرمشهر و غزه نماد دو شهر مقاومت، مشهد و مدینه نماد عترة محمدی، شیراز، آتن و قاهره نماد تمدن های کهن آسیایی، آفریقایی و اروپایی، رم و اصفهان نماد تمدن های رنسانسی اروپایی و ایرانی (عصر صفویه) و تهران و نیویورک به عنوان نماد عصر پسامدرن و مولتی کالچرالیسم می توانند تفاهمنامه خواهرخواندگی امضا کنند، که موجب توسعه و بهبود روابط بین ملت های ایران، فلسطین، جزیره العرب، مصر، یونان، ایتالیا و آمریکا می شود.

پی نوشت ها:

1. the management of relationships between countries. skill in dealing with people without offending or upsetting them. At: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/diplomacy>. Accessed 21.Oct.2019.